



**abbreviation** Any of various ways of shortening a word or phrase, e. g. through the use of acronyms (*NATO*), clippings (*ad*), and blends (*brunch*). See ellipsis.

اختصار: به هر گونه از راههای گوناگون کار اختصار یک واژه یا یک عبارت، به عنوان مثال از طریق کاربرد سر واژه (*NATO*)، بریده (*ad*) و امتزاج (ادغام پاره قدامی/پیشین یک واژه با پاره خلفی/پسین واژه ای دیگر) (*brunch*) گویند. به حذف به قرینه رجوع شود.

**A-binding** See **Binding Theory**.

مرجع گزینی - A: به نظریه مرجع گزینی رجوع شود.

**ablative** An inflectional category of case, often assumed by a noun phrase (typically a single noun or pronoun) to express locational or instrumental meanings. See also **case**; **inflection 1**.

حالت ازی / مفعول عنه / مفعول حرف اضافه: مقوله صرفی/تصریفی حالت که اغلب توسط گروه اسمی (معمولاً یک تک اسم یا حرف ضمیر) برای بیان معانی یا مفاهیم مکانی یا ابزاری به کار گرفته می شود. به حالت، صرف/تصریف ۱ نیز رجوع شود.

**abrupt release** A type of feature recognized within Phonological Feature Theory, where a sound is produced by a sudden emission of air, as in plosive consonants; also called **instantaneous release**, and contrasted with **delayed release**. See also **plosive**; **release**.

رهش آنی / تخلیه درجا / گسستن بی درنگ / دفع سراسیمه: نوعی ویژگی که در نظریه ویژگی‌های واجی شناسائی شده و در آن صدا با دفع ناگهانی هوا مانند همخوانیهای انفجاری تولید می‌شود. نام دیگر آن رهش فوری / بی درنگ / بدون مکث می باشد که در تقابل با رهش معوق / دیرکردی / تأخیری قرار می گیرد. به بندشی / انفجاری، رهش / دررفتگی / رهایش نیز رجوع شود.

**absolute construction** A sentence constituent which is isolated or disconnected from the rest of a sentence, such as the Latin 'ablative absolute' construction, or the use of sentence adverbials in English (*However, the train was late*). See also **adverbial**.

ساختار مطلق: به نوعی پاره / سازه جمله که از مانده جمله کنار گذاشته یا جدا شده مانند 'مفعول عنهی / ازی / اضافه ای مطلق' در لاتین و یا کاربرد جملات قیدی / قید واره ای در زبان انگلیسی (بهر حال، قطار دیر رسید) باشد گویند. به قید واره / قیدی نیز رجوع شود.

**absolute universal** See **universal**.

همگانیهای / جهانیهای / فراگیرهای مطلق: به همگانی / جهانی / فراگیر رجوع شود.

**absolutive** See **ergative**.

مطلق / قطعی: به افعال ارگتیو / لازم / گذرا رجوع شود.

**abstract** In the study of narrative, an optional element which summarizes the whole of a story. See also **narrative**.

مجرد / تجریدی / انتزاعی: در مطالعات مبحث روایت، به عنصر اختیاری که کل یک داستان را خلاصه / فشرده میکند گویند. به روایت / روایتی نیز رجوع شود.

**accent 1** The combination of phonetic features which identify a person's geographical or social origins (**regional** and **social** accents, respectively). See also **dialect**. **2** A type of perceived syllabic prominence in spoken language, resulting from a contrastive pitch compared with that found in adjacent syllables. **Accented** syllables are opposed to **unaccented** syllables. **Accentuation** is the pattern of relative prominence in a sequence of syllables. See also **stress**. **3** A diacritic symbol in written language, such as the 'acute accent' or 'grave accent', typically placed over a vowel symbol to indicate

لهجه، تکیه / فشار / تأکید. (۱) مجموعه ای ترکیبی از مختصه های آوایی که جواستگاه و منشأ جغرافیایی یا اجتماعی (بترتیب لهجه منطقه‌ای و اجتماعی) شخص را شناسائی و مشخص می نماید. به گویش نیز رجوع شود. (۲) نوعی برجستگی هجایی ملحوظ در زبان گفتاری، که ناشی از تفاوت های زیر و بمی در هجاهای / بخشهای تقابلی در مقایسه با هجاهای جواری / مجاور است. هجاهای / بخشهای تکیه دار در تقابل با هجاهای / بخشهای بی تکیه قرار میگیرند. فرایند تکیه دهی، الگوی برجستگی نسبی در زنجیره / توالی هجاها به شمار می آید. به تکیه نیز رجوع شود. (۳) نشانهٔ زیر و زبری در زبان

different sound qualities, syllabic prominence, or other prosodic features.

نوشتار، مانند **تکیه سست/ ناتوان/ برنوا و تکیه سخت/** توانمند/ فرونوا<sup>۲</sup>، که معمولاً بالای واکه/ صدای مصوت قرار میگیرد تا ویژگیهای متفاوت اصوات، برجستگیهای هجایی یا دیگر ویژگیهای **زبر زنجیری/ نوایی/ عروضی** را آشکار و نمایان سازد.

**accentuation** See **accent 2**.

**تکیه پردازی/ تکیه آرای/ اعراب و اعجام/ تعجیم/ تلفظ تکیه ور:** به **تکیه/ فشار/ تأکید** ۲ رجوع شود.

**acceptability** The extent to which linguistic data are judged by native speakers to be possible or normal in their language; utterances are considered to be **acceptable, unacceptable, or marginally acceptable**. Unacceptable utterances are usually indicated by a preceding asterisk, and marginally acceptable utterances by a question mark. A formal experiment in which speakers are asked to evaluate utterances is an **acceptability test**. See also **grammaticality**.

**مقبولیت/ پذیرفتگی/ وجاهت:** دامنه ای که در آن داده ها و یافته های زبانی در راستای احتمالی و عادی بودن آنها توسط گویشوران بومی/ مادر زبان مورد قضاوت قرار میگیرند. بر این اساس، گفته های بیانی یا عبارتها **مقبول، غیر مقبول** و یا نسبتاً **مقبول** در نظر گرفته می شوند. گفته های غیر مقبول معمولاً با نشانه ستاره آغازین و گفته های نسبتاً مقبول با نشانه استفهام شناسائی می شوند. نوعی آزمایش اصولی که بر مبنای آن از کاربران زبان خواسته میشود گفته هایی را مورد ارزیابی قرار دهند را **آزمون مقبولیت/ وجاهت** گویند. به اصل **دستوریت/ نحویت** نیز رجوع شود.

**accessibility hierarchy** In Relational Grammar, a postulated linear series of dependencies between nominal entities, which controls the applicability of syntactic rules. See also **Dependency Grammar; Hierarchy; Relational Grammar**.

**سلسله مراتب پذیرش/ پلکان روابط نحوی/ پایگان رابطه های دستوری:** در دستور رابطه ای/ پیوندی، به یک رشته از وابستگی های فرضی خطی فیما بین عناصر اسمی که بر مقبولیت کاربرد قوانین نحوی نظارت و آنها را مهار می کنند اطلاق می شود. به **دستور وابستگی، سلسله مراتب/ پایگان/ پلکان، دستور رابطه ای** نیز رجوع شود.

**accommodation** The unconscious alteration of a person's speech, especially in pronunciation, so that it sounds more like or less like the speech of the addressee. See also **matched guise technique**.

**هم سازی/ انطباق/ تعدیل در گفتار:** به تغییر غیرآگاهانه/ ناخواسته سخن فردی، بویژه در حیطه تلفظ، تا سخن فرد کاربر/ گویشور کم و بیش شبیه به سخن فرد مخاطب/ شنونده به نظر رسد گویند. به **روش بظاهر یگانه/ فوت و فن تطبیق صدا** نیز رجوع شود.